

## اقحوان

غلامرضا امین\*، محبوبه خاتم‌ساز، مهناز خانوی\*، بهزاد ذوالفقاری\*، روجا رحیمی، ابوالقاسم سلطانی، محمدرضا شمس‌اردکانی، میثم شیرزاد، امید صادقی‌پور، امیرمهدی طالب، علیرضا قنادی، مهرداد کریمی، منصور کشاورز، عبدالعلی محقق‌زاده، محمود مصدق، فریبرز معطر، محمد باقر مینایی

شاخه‌ی گیاهان دارویی گروه طب اسلامی و طب سنتی، فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران<sup>\*۱</sup>

## چکیده

اقحوان یکی از گیاهان مطرح در متون طب سنتی ایران است که به عنوان نوعی بابونه معرفی شده و خواصی همچون محلل، مفتح عروق و مدر بول و حیض و عرق از آن گزارش شده است. از جمله اسامی دیگر این گیاه می‌توان به بابونه گاو، بابونه گاو چشم و کافوریه اشاره نمود. اقحوان به دلیل تفاوت در بزرگی گل و مشخصات میوه و نیز افعال و خواص از انواع بابونه قابل تفکیک است. با در نظر گرفتن خصوصیات گیاه شناسی مذکور در منابع طب و داروسازی سنتی برای این گیاه، می‌توان آن را با گیاه *Tanacetum parthenium* (L.) Schultz خانواده‌ی کاسنی (Compositae) مطابقت داد.

واژگان کلیدی: اقحوان، بابونه، طب سنتی ایران

تاریخ دریافت: دی ۸۹  
تاریخ پذیرش: اسفند ۸۹

## مقدمه:

اقحوان یکی از گیاهان دارویی مورد استفاده در مکتب پزشکی و داروسازی سنتی ایران است که بر اساس نظر قدما به عنوان نوعی از انواع بابونه معرفی شده است. دانشمندان پیشین این گیاه علفی را، که نام‌های دیگری از جمله بابونه گاو، بابونه گاو چشم، کافوریه و ... نیز به آن اطلاق می‌شده است، بر اساس خصوصیات ظاهری به دو نوع صغیر و کبیر تقسیم‌بندی می‌نموده‌اند که نوع صغیر آن بر حسب مکان رویش، شکل شاخه و برگ و نیز اندازه و رنگ گل به ۲ نوع برّی و بستانی طبقه‌بندی می‌شده است و اکنون به نام بابونه‌ی رومی شناخته می‌شود. به هر حال طبق منابع در دسترس علاوه بر تفاوت در شکل و خصوصیات ظاهری، آثار درمانی اقحوان نیز با بابونه متفاوت بیان شده است (۱). با استناد به یافته‌های گیاه‌شناسی حاصل از اطلاعات مندرج

در منابع مستند پزشکی و داروسازی سنتی، نام علمی اقحوان با ویژگی‌های گیاه *Tanacetum parthenium* (L.) Schultz Bip. متعلق به خانواده‌ی کاسنی (Compositae) مطابقت دارد که در بخش‌های بعدی مقاله به جنبه‌های گوناگون آن پرداخته شده است (۱-۲).

## کلید شناسایی گونه‌ها

### کلید شناسایی جنس اقحوان در مقایسه با جنس بابونه

- ۱- الف- گیاهانی چند ساله، کرک‌دار، برگ‌ها دم‌برگ‌دار، ۲-۱ بار شانه‌ای با قطعات تخم مرغی، میوه‌ی فندقه دارای شاخکی کوتاه در راس.....*Tanacetum*
- ۱-ب- گیاهانی یک ساله یا دو ساله. بدون کرک یا دارای کرک‌های اندک. برگ‌ها بدون دم‌برگ یا دارای دم‌برگ کوتاه، ۳-۲

بار شانه‌ای با قطعات باریک، میوه‌ی فندقه بدون شاخک، ساده یا کاکل‌دار.....*Matricaria*

### سیری در منابع گذشته:

اقحوان سابقه‌ی مصرف بس طولانی و ۲۰۰۰ ساله داشته، مصریان و یونانیان باستان آن را در درمان التهاب و سردرد و گزش حشرات به کار می‌برده‌اند و دیوسکوریدوس از آن نام برده است. اقحوان در عربی به گیاهان جنس *Chrysanthemum* اطلاق می‌گردد و معرب از اقحوان پارسی است و به معنای گل طلایی رنگ است و همواره به عنوان دارویی شبیه بابونه شناخته می‌شده است. رازی و ابن‌بیطار مطالب دیوسکوریدوس در مورد فرثانیون را ذیل اقحوان آورده‌اند. نام علمی آن به داستانی یونانی باز می‌گردد که در مورد کارگری است که در حین ساختن معبد Parthenon دچار سانحه گردید و با مصرف این گیاه بهبود یافت. نام عمومی انگلیسی آن (Feverfew) از Febris لاتین به معنای تب و Fuge به معنای دفع کننده و دور کننده می‌باشد که نمایانگر اثر ضد تب آن است (۳-۴).

در منابع طب سنتی اقحوان بدین گونه معرفی شده است:

اقحوان بر دو قسم است، صغیر و کبیر. صغیر آن دو نوع است: برّی و بستانی. بستانی را شاخ‌های باریک و برگ آن شبیه به برگ گشنیز و رازیانه و گل آن زرد و مدور و در اطراف آن برگ‌های ریزه سفید و از گل بابونه بزرگ‌تر و ثقیل‌الرایحه و با اندکی تلخی، و منبت برّی آن کوهستان‌ها و صحراها و بالجمله صنفی از بابونه است و مغشوش به بابونه می‌نمایند (۱،۵) و گل بابونه مجوف نیست و این مجوف است و مستعمل گل زرد آن است نه گل سرخ آن و بهترین آن، نوعی است که برگ آن سبز و بیرون گل آن سفید و اندرون آن زرد و با تلخی طعم باشد و کهنه و فاسد نباشد (۱).

**طبیعت:** در سوّم گرم و در دوّم خشک

این گیاه مسخن قوی (۱،۵)، محلل (۱،۵-۶)، مفتاح سدد (۷) بویژه در جگر و افواه عروق (۱،۵)، ملطف (۱،۵-۶)، محلل خون منجمد در مئانه و ورم مقعده، مدر بول و عرق و حیض (۱،۵-۷)، مسقط جنین (۱،۸،۵)، مفتت حصات<sup>۲</sup>

(۱،۵-۶) و با قوت تریاقیت است. اقحوان در درد مئانه، ورم سپرز، استسقاء، قراقر معده و برای افزایش اشتها (۷) و نیز در قولنج، وجع مئانه و نزول آب در کیستین<sup>۳</sup> مؤثر است (۱،۵،۷). بوییدن تازه‌ی آن خواب آور است و مصرف مقادیر زیاد و مداومت در مصرف آن باعث سبات<sup>۴</sup> می‌شود (۱،۶-۷).

نَطول<sup>۵</sup> آن جهت سَهَر<sup>۶</sup> پیران نافع (۱،۵) است. اَعوق<sup>۷</sup> آن در رَثو<sup>۸</sup> (۱،۵-۸)، سرفه و نفث الدّم<sup>۹</sup> (۱،۵،۸) مصرف می‌شود و حُمول<sup>۱۰</sup> آن ادرار حیض به قوت تمام نماید (۱،۷) و محلل صلابت رحم (۱،۵-۸) و مفتاح سده‌ی آن و افواه بواسیر است (۱،۵).

در منابع معتبر سنتی، نام‌های متفاوتی برای بابونه ذکر گردیده است که مهم‌ترین اسامی آن به شرح زیر می‌باشد:

یونانی: *pharthenion* (۴)

فارسی: بابونه گاو (۱)، بابونه گاو چشم (۱،۵)

عربی: اقحوان، کافوریه (۹)، بابونج کبیر

### *Tanacetum parthenium*

نام علمی: *Tanacetum parthenium* (L.) Schultz Bip.

Syn: *Matricaria parthenium* L., *Pyrethrum parthenium* (L.) Sm.; *Chrysanthemum parthenium* (L.) Bernh.

نام تیره: Asteraceae (Compositae)

نام انگلیسی: Feverfew

### مشخصات گیاه‌شناسی:

اقحوان گیاهی است چند ساله با ریزوم‌های عمودی، ساقه‌های ایستاده که به صورت ساقه‌های منفرد یا چند تایی دیده می‌شود. این گیاه دارای کرک‌های کم و تنک، به رنگ قرمز مایل به قهوه‌ای بوده و ساقه‌ی آن در قسمت فوقانی منشعب می‌باشد. برگ‌های آن دارای دمبرگ‌های طویل، کم و بیش کرک‌دار یا کاملاً پوشیده از کرک هستند. برگ‌ها ۱-۲ بار شانه‌ای شده و قطعات برگ تخم مرغی می‌باشد. گل‌های آن سفید، مجتمع در گل آذین دیهیمی بوده و کاپیتول (کپه) دارای دو ردیف براکته سبز و کرک‌دار است. گلچپه‌های حاشیه‌ی کاپیتول زبانه‌ای و ماده، به تعداد ۲۰-۱۲ عدد می‌باشند. گل‌های مرکزی کاپیتول لوله‌ای و زرد رنگ هستند. میوه‌ی آن فندقه دارای ۶-۵ پهلوی یا ضلع

این گیاه در برخی کشورها و از جمله ایران در فهرست داروهای رسمی قابل تجویز در پیشگیری از حملات میگرن قرار داده شده است (۱۱).

### بحث و نتیجه‌گیری:

اقحوان در منابع معتبر طب سنتی به عنوان یکی از انواع بابونه شناخته شده است ولی به دلیل تفاوت در بزرگی گل و مشخصات میوه و نیز افعال و خواص از انواع بابونه قابل تفکیک می‌باشد. در کتب معتبر طب سنتی دو نوع کبیر و صغیر آن معرفی شده است که نوع کبیر معادل اقحوان و نوع صغیر آن بابونه‌ی رومی (۱۲) می‌باشد. شاخه‌ی گیاهان دارویی فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران به منظور تبیین نام‌های گیاهان دارویی، پس از بررسی مشخصات ذکر شده در منابع قدیم و جدید نام اقحوان را معادل *Tanacetum parthenium* (L.) Schultz Bip برای گیاه مذکور پیشنهاد می‌نماید.

سفید و در راس دارای شاخکی کوتاه است. زمان گلدهی آن اردیبهشت و خردادماه می‌باشد.

### پراکنش در ایران و جهان:

در تمام نقاط ایران و در نیمکره‌ی شمالی و نیمکره‌ی جنوبی در سراسر دنیا پراکندگی دارد.

### موارد مصرف امروزی:

امروزه اقحوان در درمان میگرن، آرتریت و برخی بیماری‌های مفاصل روماتیسمی و حساسیتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. گرچه مطالعات بالینی دو سو کور همراه با دارونما نشان داده است که استفاده از عصاره‌ی برگ‌های گیاه در پیشگیری از حملات میگرنی و همچنین عود مجدد حملات مفید می‌باشد ولی جهت تایید این اثر نیاز به مطالعات بیشتری است (۱۰). با وجود این اشکال دارویی

### پی‌نوشت:

<sup>۱</sup> شاخه‌ی گیاهان دارویی از گروه طب اسلامی و طب سنتی، از تاریخ ۱۳۸۴/۳/۱ در فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران به منظور تبیین نام‌های گیاهان دارویی ذکر شده در منابع طب سنتی و یا متداول در بین مردم تشکیل شده است. از آن تاریخ در نشست‌های متعدد که با حضور استادان فن برگزار شده، ابتدا فهرستی از اسامی مختلف تهیه، و به ترتیب در مورد هر کدام بحث و تصمیم‌گیری شده است. مقاله‌ی حاضر، پنجمین دست‌آورد این جلسه‌ها و در مورد گیاه اقحوان است.

<sup>۲</sup> شکننده سنگ‌ها

<sup>۳</sup> Hydrocele

<sup>۴</sup> سبات: خواب طولانی و عمیق و سنگین است که صاحب آن به دشواری بیدار شود (۱۴-۱۳)

<sup>۵</sup> نطول: آبی که در آن داروها جوشانیده باشند و به روی عضوی ریزند (۱۵)

<sup>۶</sup> سهر: حالتی است که بیداری به حد افراط برسد و از شکل طبیعی خارج شود (۱۶-۱۵)

<sup>۷</sup> لعوق: هر چیز آب دار با قوام مثل فالودجها که به انگشت یا قاشق کم کم بلیسند (۱۷)

<sup>۸</sup> ربو: به تازی دشخواری دم زدن را ربو گویند (۱۸)

<sup>۹</sup> نفث الدم: برآمدن خون است از راه دهان؛ اگر با بزاق دفع گردد از اجزای دهان است، اگر با تنخع از حلق و نواحی آن و اگر با تنحنج از قصبه رئه است و اگر به طریق سرفه دفع گردد از رئه و نواحی سینه و اگر به طریق قیء باشد از فم معده و یا کبد است (۱۴)

<sup>۱۰</sup> حمل: ادویه‌ای [است] که انسان در مقعد و فرج خود بردارد (۱۷)

### منابع

- عقیلی خراسانی، محمد حسین: مخزن الأدویه. نسخه‌ی چاپ کلکته. انتشارات سنایی، تهران، صص: ۹-۱۵۸، ۱۳۸۸.
- Rechinger KH. Compositae, Anthemideae. In: *Flora Iranica*. Graz: Akademische Druck-U Verlagsanstalt. p.1511

3. B-Mills S, Bone K. *Principles and practice of phytotherapy*. London: Churchil Livingstone; 2000.p.385.
۴. دیوسکوریدوس: المقالات سبع من كتاب دياسقوريدوس و هو هيبولى الطب من الحشایش و السموم. ترجمه اصطفن ابن سبیل، اصلاح حنین ابن اسحاق. مقاله‌ی سوم، شماره‌ی ۱۳۱، ص: ۳۰۰.
۵. تنکابنی مازندرانی، محمد مؤمن: تحفه المؤمنین. نشر شهر، تهران، ص: ۵۵، ۱۳۸۹.
۶. ابن سینا، حسین بن عبدالله: القانون فی الطب، الكتاب الثانى. نسخه‌ی چاپ سنگی، انتشارات مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، ص: ۱۵۸.
۷. ابن بیطار المالقی، عبدالله بن احمد: الجامع لمفردات الأدوية و الأغذیه. نسخه‌ی چاپ سربی، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، ص: ۴-۵۳.
۸. انطاکى، داوود بن عمر: تذکره اولی الالباب و الجامع للعجب العجائب. دارالکتب العلمیه، بیروت، ص: ۵۹، ۱۹۷۱.
۹. بیرونی ابوریحان، محمد بن احمد: الصيدنه فی الطب. تصحیح، مقدمه و تحشیه: عباس زریاب. ج. ۱. مرکز نشر دانشگاه تهران، تهران، ص: ۵۹، ۱۳۷۰.
10. Thomson Healthcare. *PDR for Herbal Medicines*. 4th Ed. New York: Thomson Healthcare; 2008.p.321-6.
۱۱. معاونت غذا و دارو، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: دارونامه‌ی رسمی ایران. ویرایش سوم، ج. ۱. مرکز توسعه‌ی علمی و تحقیقات بازار شرکت پخش رازی، تهران، صص: ۲-۹۵۱، ۱۳۸۲.
۱۲. امین، غلامرضا؛ خاتم‌ساز، محبوبه؛ خانوی، مهناز؛ ذوالفقاری، بهزاد؛ رحیمی، روجا؛ سلطانی، ابوالقاسم و همکاران: بابونه. مجله‌ی طب سنتی اسلام و ایران: ۱۳۸۹، سال اول، شماره‌ی چهارم، صص: ۶-۳۹۱.
۱۳. هروی، محمد بن یوسف: بحر الجواهر. انتشارات جلال الدین، قم، ص: ۲۰۲، ۱۳۸۷.
۱۴. عقیلی خراسانی، محمد حسین: قرابادین کبیر. نسخه‌ی چاپ سنگی، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، صص: ۵۵۰، ۵۳۹، ۱۲۷۶ ه.ق.
۱۵. الأزدی، عبدالله بن محمد: کتاب الماء. مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، صص: ۶۷۴، ۱۲۵۸، ۱۳۸۷.
۱۶. ابن سینا، حسین بن عبدالله: القانون فی الطب، الكتاب الثالث، الفن الأول. نسخه چاپ سنگی تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، ص: ۳۰، ۱۲۹۶.
۱۷. هروی، محمد بن یوسف: بحر الجواهر. انتشارات جلال الدین، قم، صص: ۱۴۳، ۳۳۱، ۱۳۸۷.
۱۸. دهخدا، علی اکبر: لغتنامه دهخدا. لوح فشرده، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ویراست سوم به نقل از ذخیره‌ی خوارزمشاهی.